

یخ داغ

مجموعه داستان

برگزیدگان - ایزه ا. هنری ۱۹۸۵
ترجمه: ایدا طرزی

یخ داغ. مجموعه داستان.
برگزیدگان جایزه ا. هنری ۱۹۸۵ / ترجمه لیدا طرزی. ویراستار ویلیام آبراهامز.

تهران: کتاب نیستان، ۱۳۹۹.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۷۴۳-۲

مجموعه داستان برگزیدگان ا. هنری ۱۹۸۵

عنوان اصلی The Pen / O. Henry Prize stories

طرزی، لیدا، مترجم.

PS ۶۴۸

۸۱۳ / ۰۱۰۸

۶۲۰۹۹۲۰

یخ داغ

برگزیدگان جایزه ا. هنری ۱۹۸۵

مترجم: لیدا طرزی

ویراستار: دکتر علی فامیان

(دانشگاه پیام نور)

طرح: اندرانژراد ادیبی

کتاب نیستان

چاپ اول ۱۳۹۹ ۸۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۸-۷۴۳-۲

چاپ و صحافی: سپیدار

نیستان: ۵-۲۲۶۱۲۴۴۳

۴۶۰۰۰ تومان

ارتباط با شما ۳۰۰۰۸۵۵۲

www.neyestanbook.com

فهرست

۷	مقدمه
۱۱	یخ داغ اثر استوارت دایک
۴۲	در شب سپید اثر آن بیتی
۴۷	نیم‌نظر به کشوری دیگر اثر رایت موریس
۶۳	قدیسه ماری اثر لوییز اردریچ
۷۹	زن کلاغی اثر استیو هیلر
۱۰۰	در احوالات بوستون اثر وارد جاست
۱۳۶	ادامه دادن اثر گلوریا نوریس
۱۵۳	مشق شب اثر پیترو کمرون
۱۶۱	فصل‌ها اثر جویس کارول اوتس
۱۷۶	باید بعد از این می‌مُرد اثر رولین هاجستاین
۱۸۷	لیلی اثر جین اسمایلی
۲۰۴	تَبَر، تَبَر، تَبَر اثر اریک ویلسون

مقدمه

تقریباً بیست سال از زمانی که ساموئل ووگان به نمایندگی از انتشارات دابل دی از من درخواست کرد پس از ریچارد پریور، دبیری این مجموعه از داستان‌های جایزه آملری برعهده بگیرم می‌گذرد. من، خرسند از این دعوت، پیشنهاد ووگان را پذیرفتم. و این ترتیب تعهدم در برابر داستان‌های جایزه آملری و فرائر از آن داستان کوتاه شروع شد تا امروز ادامه دارد. خود من بشخصه دوست دارم باور کنم که این مجلد قبلی این مجموعه بهترین داستان‌های کوتاه دو دهه گذشته را در برداشته‌اند، ولی باید اضافه کنم در آغاز راه هیچ نمی‌دانستم که این مسئولیت چقدر دیرپا و پرمهوار است.

با پذیرفتن دبیری این مجموعه از خواننده‌ای آگاه به خواننده‌ای حرفه‌ای تبدیل شدم. دیگر نمی‌توانستم تقننی پنج، شش مجله را ورق بزنم و اگر حالم خوش بود یکی از داستان‌ها را بخوانم. به جای آن باید هر سال بیش از هزار داستان از نویسندگان آمریکایی را که در بیش از صد مجله به چاپ می‌رسیدند می‌خواندم. بیشتر آن نویسندگان را هیچ نمی‌شناختم و نمی‌دانستم چه توانایی‌های شگرفی دارند.

در نظر دقیق، مسئولیت ترسناکی بود، ولی من تصور می‌کردم کوتاه‌مدت باشد. خودم را آماده کرده بودم که خیلی زود حوصله‌ام سر برود. همان روزها یکی از سیاستمداران کالیفرنایی گفته بود: «یک درخت سرخدار گول‌پیکر را که ببینی، انگار همه‌شان را دیده‌ای.» من هم همین تصور را درباره داستان کوتاه داشتم. ولی همه چیز جور دیگری از آب درآمد. آنچه بعد از این همه سال مطالعه

داستان مرا شگفت‌زده می‌کند شباهت داستان‌ها نیست، بلکه تفاوت‌های آنهاست - تفاوت در سبک، موضوع و هدف. به واقع، این تنوع چشمگیر به همراه مقاومت نویسندگان در برابر طبقه‌بندی آثارشان، چنان شور و شوقی به آدمی می‌بخشد که فرد به جای خسته شدن از مطالعه داستان کوتاه به آن معتاد می‌شود و تعمیم‌بخشی را دشوار و اغلب نامعتبر می‌سازد. داستان‌ها نشان‌دهنده گرایش‌های خاص نیستند و از طرفی، گرایش‌های غالب باعث ترس و رعب نویسندگانی که استقلال رأی دارند نمی‌شوند. مجلد حاضر بر همین عنصر تنوع در داستان‌های ویراستار تأکید دارد. داستان‌ها، صرف‌نظر از ژانر ادبی‌شان، براساس شایستگی انتخاب شده‌اند: اینکه آیا توانسته‌اند هدف نویسندگانشان را برآورده کنند؟ افزون بر این، کیفیت دستاوردها هم بسیار متفاوت است. اینجا وارد قلمرو غریزه، تضاد ذهنی و سرانجام ذوق و سلیقه شخصی می‌شویم که آخرین تیر ترکش ویراستار است. آمده است، روشن است که من ترجیح می‌دهم چیزی را تعمیم ندهم و به این دلیل است که خوانندگان مجموعه‌های سالانه‌ای همچون کتاب حاضر ترجیح می‌دهند چیزی را تعمیم دهند و هیچ توضیحی درباره داستان‌های دلچسبی که به ذهن می‌آید مختلف حذف شده‌اند آنها را از این کار باز نمی‌دارد. داستان‌های این مجلد که از مناسبات مختلف جمع‌آوری شده‌اند، برخلاف رضایت نویسندگانشان، فقط به همین دلیل ساده که در این مجموعه گردآوری شده‌اند نماینده فلان یا بهمان چیز هستند.

اگر بتوانم از تعمیم جلوگیری کنم، باید بنوشم برداشت‌های اشتباهی را که در باب خود مجموعه وجود دارد اصلاح کنم. من از همه جایزه‌آه‌های هنری در مسابقات و رقابت‌های ادبی اعطا نمی‌شود. این جایزه صرفاً شانگ، شایستگی آثار است. نویسندگان آثارشان را به جایی نمی‌فرستند - آثاری که برای ویراستار ارسال می‌شوند نخوانده برگشت داده می‌شوند. تنها چیزی که در این است این است که آثار در بازه زمانی اول آگوست یک سال تا اول آگوست سال بعد در یکی از مجلات ادبی - میزان مخاطبان مجلات مهم نیست - به چاپ برسند. لازم نیست مجلات خودشان داستان‌ها را معرفی کنند. آنها تنها می‌توانند ویراستار مجموعه را آبونه کنند (و صد البته او به خاطر این کار سپاسگزار آنان خواهد بود). به همین سادگی! با این حال علاوه بر مجلات، محصولات دیگری هم به دست ویراستار می‌رسند: دست‌نویس داستان‌ها، کتاب‌های داستان (که

طبق قوانین مجموعه استفاده از آنها غیرقانونی است)، داستان‌های ترجمه شده از زبان‌های دیگر (که باز هم غیرقانونی هستند، حتی اگر مترجمانشان آمریکایی باشند).

شاید نادرست‌ترین برداشت این باشد که داستان‌ها به منظور معرفی یک مضمون یا ژانر یا مجله خاص انتخاب می‌شوند. اگر بسیاری از داستان‌های یک مجلد به مضامینی چون مرگ، پیری، بیماری یا غیره بپردازند، تصور می‌شود ترجیح ویراستار چنین بوده است. در حقیقت، داستان‌های انتخاب شده بهترین داستان‌های سال هستند. اینکه بسیاری از داستان‌ها به یک مضمون خاص می‌پردازند می‌تواند مبین شرایط دوره‌ای باشد که در آن نگاشته شده‌اند. به هر حال نویسندگان هم انسان هستند و در دنیای واقعی زندگی می‌کنند و تصاویر این دنیا، هر چند پیره‌تار، در آثارشان منعکس می‌شود، با این همه، کیفیت بیش از مضمون تعیین رزشر. یک اثر موثر است و من هم سعی می‌کنم در مقام یک کارشناس آثار را بررسی کنم نه یک مباشر. به همین ترتیب، بسیاری شبکه می‌کنند که خیلی از داستان‌ها سنتی هستند، خیلی‌هایشان تجربی‌اند، خیلی‌هایشان از مجلات خرد گرفته شده‌اند، خیلی‌هایشان از مجلات معتبری چون نیویورکر یا آتلانتیک یا... گرفته شده‌اند... ولی همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم آنچه تعیین‌کننده است یک چیز است که برتری - در ژانر، مضمون، موضوع، و مجله‌ای که داستان در آن به چاپ رسیده است.

برتری اشکال گوناگونی دارد و گاه داستان‌های برتر چنان با هم متفاوتند که مقایسه براساس یک معیار واحد عبث می‌نماید.

داستان یخ داغ نوشته استوارت دایبیک که جایزه نخست این مجلد را از آن خود کرده است، ساختاری فرمال دارد - افسانه دختری که غرق شده به فکر می‌کنند جسدش در یک یخچال قدیمی سالم مانده است - و مانند هفتاد و موسیقی تکرار می‌شود. ولی حیاتی که او با حرارت به وصف آن می‌پردازد جدا از ساختار داستان پیش می‌رود. آنچه دایبیک به تصویر می‌کشد - مردم فرودست جامعه - تنها ناآشنا نیستند. او به گونه‌ای به آن جامعه می‌پردازد که گویی تنها جامعه بشری موجود است و همین قدرت بیشتری به آن می‌بخشد. و به واقع، برای پسرها و مردهایی که او از آنان می‌نویسد آن جامعه تنها جامعه موجود بشری بوده، هست و خواهد بود.